



نام کتاب: خنده‌ی گمشده

نویسنده و مترجم: میشل پیرین / محمد علی یزدی پور

تصویرگر: کارن لیلیه

کلیدواژه‌ها: خوشحالی، ناراحتی، درون‌نگری، توجه

نویسنده طرح: عاطفه رضائی

<ul style="list-style-type: none"> <li>• آشنایی با ترس از مسخره شدن</li> <li>• آشنایی با برخی از مصادیق خوشحالی و ناراحتی</li> <li>• آشنایی با این مفهوم که «منشاء حس‌های ما درونی‌اند و نیاز به شناخت آنها داریم»</li> <li>• توجه به خود و دیگری</li> </ul>	هدف
۷ تا ۱۱ سال	بازه سنی
<ul style="list-style-type: none"> <li>• کتاب قصه</li> <li>• کاغذ و مداد رنگی</li> <li>• وسایل کاردستی (در صورت اجرای فعالیت‌های پیشنهادی)</li> <li>• یک لبخند به عنوان نماد خوشحالی + یک لبخند وارونه به عنوان نماد ناراحتی (با دو چوب جوجه چینی و یک مقوا به صورت خیلی ساده مثل یک نیم دایره‌ی تو خالی می‌توانید نماد خوشحالی و غم را بسازید)</li> </ul>	ابزار لازم
حداقل ۴۵ دقیقه	زمان لازم

### شروع

نماد لبخند را به بچه‌ها نشان دهید یا اگر با خود نمادی به همراه ندارید، با ماژیک روی تخته یک نیم دایره بکشید و از بچه‌ها بخواهید حدس بزنند این چیست. یا چه می‌تواند باشد؟

بعد از اینکه حدس‌های خود را گفتند، بگویید که این یک لبخند است. از آنها بخواهید چند نفس عمیق بکشند و زمان‌هایی را که عمیقاً خوشحال شده‌اند به یاد بیاورند. همان زمان‌هایی که لبخند روی لب‌هایشان نشسته است.

چند دقیقه زمان فکر کردن بدهید سپس از آنها بخواهید درباره‌ی زمان‌های خوشحالی‌شان حرف بزنند.

### متن

جلد کتاب داستان را به بچه‌ها نشان دهید، خال خالی را معرفی کنید و بگویید من روی لب خال خالی لبخندی نمی‌بینم. شما می‌بینید؟ بریم داستان رو بخونیم ببینیم خنده‌اش چی شده؟

**نکته:** تصاویر کتاب مهم هستند. تلاش کنید طوری نشان دهید که همه‌ی بچه‌ها خوب ببینند.

**نکته:** با بدن خود آن صحنه‌ای را که می‌موم می‌گویید: «خنده، درون خال خالی بود من فقط کمک کردم بیرون بیاد» را نشان دهید.

بعد از پایان قصه سوالاتی بپرسید:

- کجای داستان رو بیشتر دوست داشتی؟ چرا؟
- نظرت درباره‌ی داستان چی بود؟
- قسمتی از داستان هست که برات سوالی ایجاد کرده باشه؟
- جایی از داستان هست که خاطره‌ای به یادت آورده باشه؟
- و ...

**نکته:** توجه بدهید به میمون آنجا که از خال خالی درباره‌ی مسئله‌اش سوال پرسید. «چطوری گمش کردی؟»

پایان

بچه‌ها چند دقیقه چشم‌هاتون رو ببندید، چند نفس عمیق بکشید.

یکی از دوستانتون رو توی ذهنتون تصور کنید. ببینید می‌تونید حدس بزنید اگه چکار کنید می‌تونید خوشحالی درون اونو بیرون بیارید تا اون خوشحالی تبدیل بشه به لبخند و روی لب‌هاش بشینه؟

فکر کنید ببینید اگه چکار کنید به خوشحال شدن دوستتون کمک کردید.

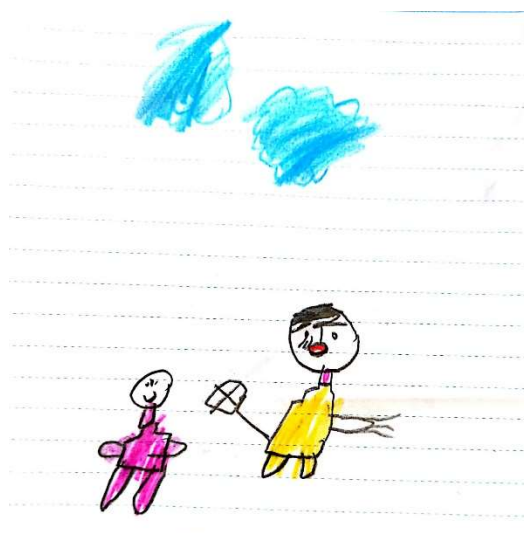
ازتون می‌خوام اون کار رو نقاشی کنید.

**پیشنهاد:** می‌تونید به بچه‌ها حق انتخاب دهید که یا نقاشی کنند یا اینکه بیایند پانتومیم آن کار را بازی کنند تا بقیه حدس بزنند.

چند نمونه نقاشی



جوک‌های بامزه می‌گم برات



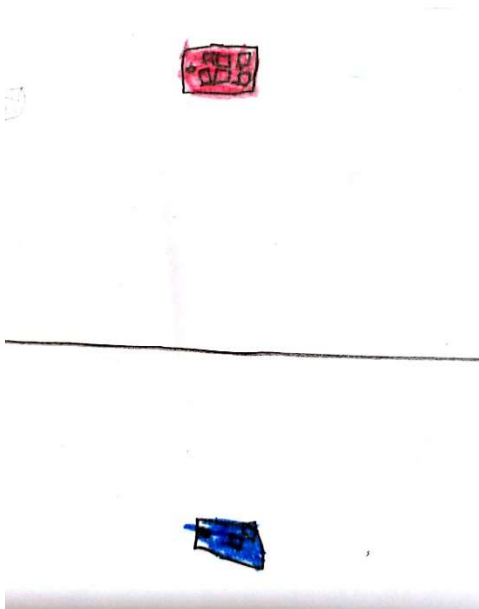
بهش هدیه میدم



با هم مسخره بازی در میاریم



اتفاقات دیروز رو برات تعریف می کنم



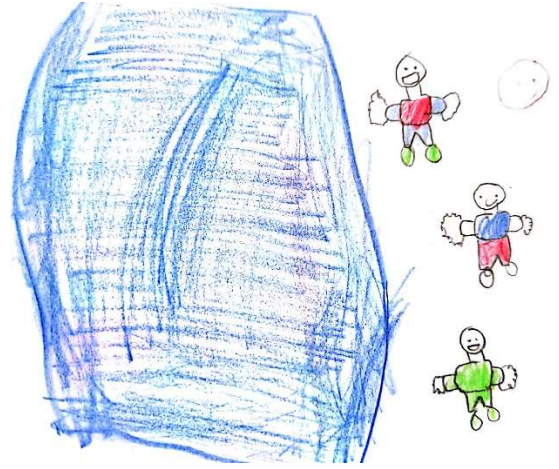
بالینکه خودم استقلالی ام، وقتی خوشحال باشه از برد پرسپولیس توی ذوقش نمی زنم



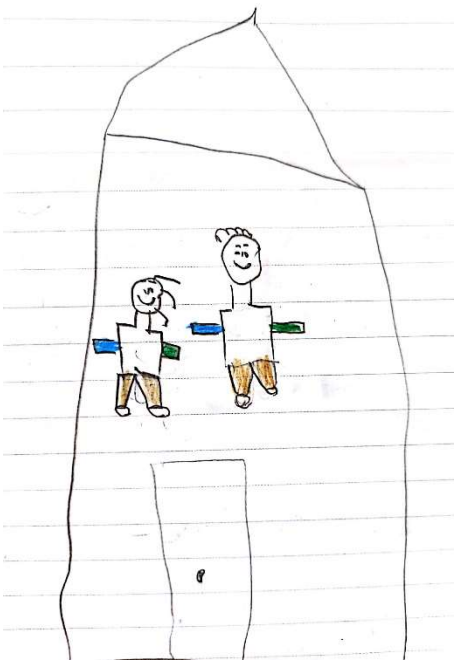
باهاش میرم گردش



باهش میرم سفر



باهش میرم استخر



میرم خونه شون مهمونی



توی فوتبال باهش هم تیمی میشم





به سگش غذا میدم اگه خوش نداده بود

#### پیشنهادات:

- می‌توانید همزمان با قصه‌گویی از پُر برای آن قسمتی که میمون، خالخال را خندانند استفاده کنید و به بچه‌ها نشان دهید.
- می‌توانید عروسک دستی میمون یا سایر حیوانات را به همراه داشته باشید.
- می‌توانید بعد از نقاشی از بچه‌ها بخواهید زیباترین لبخندی را که تا به حال دیده‌اند درست کنند. (با خمیر، چوب، کاغذ رنگی، پارچه یا هر وسیله‌ی دیگری که در دسترس‌شان بود)
- قسمتی از قصه که حیوان‌ها «ها ها ها» می‌خندند، بچه‌ها هم می‌توانند برای دقایقی نمایش خنده‌ی حیوان‌ها را بازی کنند و ها ها ها با هم بخندند.
- از نماد شادی و غم در جاهای مختلف کلاس که مرتبط است، استفاده کنید.